

## توافق موقت؛ یا واگذاری تدریجی؟

مذاکرات ایران و عمان درباره ترتیبات جدید عبور و مرور در تنگه هرمز، مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی در هفته اخیر است؛ مذاکراتی که در سایه شکست تفاهم اسلام‌آباد، بازگشت محاصره دریایی و ناتوانی آمریکا در تغییر واقعیت‌های امنیتی منطقه دنبال می‌شود. اکنون مسئله اصلی فقط نحوه عبور کشتی‌ها نیست؛ بلکه سخن از میزان اعمال حاکمیت ایران بر یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان و چگونگی حفظ این اهرم راهبردی در برابر فشارهای واشنگتن است.

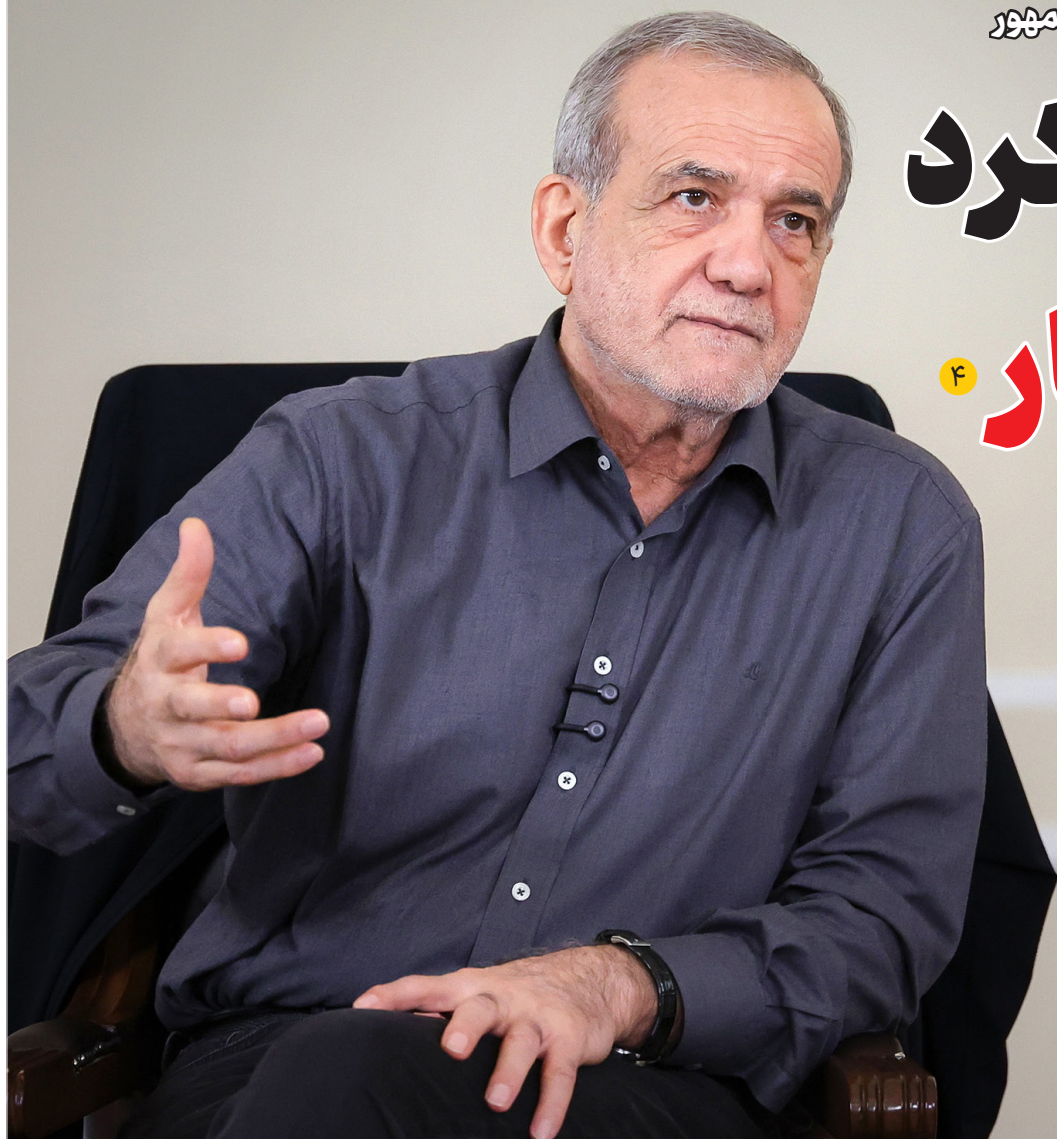
۷



پرونده نوبنیاد برای گفتگوی چند قسمتی رئیس‌جمهور

# گزارش عملکرد بدون ذکر آمار

۴



دو سال عقب‌گرد

۲



## ستادهای انتخاباتی همچنان فعال است

۳

## مذاکره با آمریکا تأمین‌کننده صلاح امت اسلامی نیست

۳



## یک تفکر، چند دهه عقب‌نشینی

امیرشهبهانی  
روزنامه‌نگار

اظهارات ناصر هادیان در ماه‌های اخیر، و به خصوص در قسمت اخیر برنامه «به وقت ایران» بار دیگر یک مسئله عمیق‌تر آشکار کرد: چگونه تفکری که روزگاری در قالب نهضت آزادی، به دلیل رویکردهایش در قبال استقلال، امنیت و نسبت ایران با آمریکا، از سوی امام خمینی (ره) مورد انتقاد جدی قرار گرفت و از منظر بسیاری از دلسوزان کشور رادرسیر نابودی قرار داده بود، امروز با ادبیات جدید و در قالب بخشی از جریان اصلاح‌طلب و طیف «برجامی» بازتولید شده است؟

متن کامل در صفحه ۷

صفحه ۶

بین‌الملل

## امنیت اجاره‌ای، نسخه تکراری سعودی

اعتراف غیرمستقیم ریاض به ناکارآمدی چتر امنیتی آمریکا و تلاش برای یافتن جایگزینی منطقه‌ای. هرچند این پیمان با عنوان دفاعی معرفی شده، اما سوابق رفتاری اعضای آن پرسش‌های جدی درباره اهداف واقعی و سرنوشت این ائتلاف تازه ایجاد کرده است.

صفحه ۴

اقتصادی

## چرا قبض برق برخی مشترکان چند برابر شد؟

قبض‌های نجومی برق در تیرماه، نگرانی مشترکان از افزایش قیمت را به همراه داشت؛ اما وزارت نیرو می‌گوید این افزایش ناشی از رشد مصرف و عبور از الگوی تعیین‌شده است، نه افزایش تازه تعرفه‌ها؛ موضوعی که پرمصرف‌ها را بیشتر متضرر کرده است.



دولت چهاردهم در آستانه دو سالگی، با کارنامه‌ای غیرقابل دفاع و دو سال پس‌رفت به جای هرگونه پیشرفت مواجه است

## دو سال عقب‌گرد

راهبرد مشخص و برخی مواضع ناامیدکننده مسئولان نیز بر مشکلات افزوده است. در چنین شرایطی، به جای ارائه کارنامه‌ای روشن از عملکرد اقتصادی و مدیریتی، حاشیه‌سازی و درگیری‌های رسانه‌ای با صداوسیما نیز به یکی از محورهای فعالیت دولت تبدیل شده؛ موضوعی که انتقادات از عملکرد دو ساله آن را بیشتر کرده است.

دو سال از آغاز به کار دولت چهاردهم گذشته و دولت پزشک‌یان در میانه راه، با کارنامه‌ای پرحاشیه و انتقادبرانگیز روبه‌روست؛ کارنامه‌ای که در سایه جنگ، فشارهای خارجی، گرانی، کاهش امید و تشدید نگرانی‌های اقتصادی شکل گرفته است. اگرچه تحولات منطقه‌ای و فشارهای دشمن در وضعیت موجود کشور مؤثر بوده، اما منتقدان معتقدند ضعف برنامه‌ریزی، نبود



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

بازر عقب‌گرد و پس‌رفت راهبردی است. البته قابل توجه است که یکی از علت‌های مهم این عقب‌گرد، دولت بی‌برنامگی و نداشتن یک استراتژی مدیریتی برای اداره کشور دانست. از جمله اینکه شخص رئیس‌جمهور نیز به این موضوع اشاره و اذعان داشته بود که «علت اینکه من کاندید ریاست‌جمهوری شدم، به دنبال این نبودم که رئیس‌جمهور شوم؛ قصد و نیتم بالا بردن آمار مشارکت بود.»

سخنان رئیس‌جمهور - غافل شد؛ چراکه این مواضع خود به تشدید تصویری منفی و سیاه‌نماییانه از کشور دامن زده و راه را برای نفوذ بیشتر فشارهای خارجی هموار کرده است.

از جمله مواضع ناامیدکننده پزشک‌یان در حین جنگ، به‌ویژه اظهاراتی مانند «انتقام فقط جنگیدن نیست»، «تهران آب ندارد»، «اگر تأسیسات را بسازیم دوباره می‌زنند»، «از کشورهای همسایه عذرخواهی می‌کنم. دیگر نباید به آن‌ها حمله شود» و... این گونه اظهارات مایوس‌کننده رئیس‌جمهور نیز آن قدری مشهود است که رهبر شهید انقلاب نیز در آخرین دیدارشان با اعضای هیئت دولت چهاردهم به‌صراحت تذکر داده بودند که «مواضع رئیس‌جمهور باید بازتاب دهنده نقاط قوت کشور باشد.»

به عبارت دیگر، با وجود تأثیرات جنگ و حوزه سیاست خارجی بر کارنامه دولت، آنچه بیش از همه حائز اهمیت است، عملکرد ناموفق در جنگ روانی و ارائه چهره‌ای آشفته از ایران به دنیاست. این امر نه تنها تصور دشمن را درباره میزان تاب‌آوری ملت دچار خطای محاسباتی کرده، بلکه نشان می‌دهد که عملکرد دو ساله دولت، فرتاز از درج‌ازدن، مصداق

دو سال از عمر دولت پزشک‌یان می‌گذرد و دولت چهاردهم به نیمی از عمر خود رسیده است و آنچه که بیش از همه از دولت پزشک‌یان برای مردم باقی مانده، تبعات جنگ، کودتا، گرانی‌ها، ناآرامی‌های ذهنی، کاهش امید و تاب‌آوری اقتصادی است. همچنان که مسعود پزشک‌یان به مناسبت رسیدن عمر دولت به دو سال، در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دو سال پیش، شروع کار ما با ترور میهمان عزیزمان توسط رژیم صهیونیستی همزمان شد؛ دو سالی که جنگ‌های تحمیلی، فشار و دشمنی‌های بی‌درپی بر مردم ایران تحمیل شد. در همه این روزهای سخت، قهرمانان واقعی مردم بودند. آینده ایران را مردم ایران رقم خواهند زد.»

البته باید به این نکته اشاره کرد که هرچند سیاست‌های خارجی و رفتارهای استکباری رژیم صهیونیستی در ایجاد فضای کنونی کشور بی‌تأثیر نبوده است، با این حال نباید از تأثیر مخرب مواضع و جهت‌گیری‌های داخلی دولت - به‌ویژه

### نماینده قم خطاب به پزشک‌یان: بر اساس کدام تخصص برای ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کردید؟

حجت‌الاسلام قاسم روانبخش، نماینده مردم قم در مجلس در واکنش به اظهارات اخیر رئیس‌جمهور در صداوسیما پیرامون تعهد و تخصص و مسئولیت‌پذیری، در حساب کاربری خود خطاب به پزشک‌یان نوشت: آقای پزشک‌یان! حرف خوبی زدید، اتفاقاً کلید اصلی حل مشکلات همین است که انسان‌های متعهد متخصص کار را در دست بگیرند ولی سوال این است که شما بر اساس کدام تخصصی برای ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کردید؟! در حالی که همواره از ناتوانی و... سخن می‌گویید و از دیگران برای حل مشکل کشور در خواست کمک می‌کنید؟!

### رضایی خطاب به سعودی‌ها: از «گدایی امنیت» دست بردارید

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در حساب کاربری خود در واکنش به توافقنامه اخیر ترکیه-عربستان-پاکستان در ایکس نوشت: سعودی‌ها باید بدانند که توافق کاغذی با ترکیه و پاکستان برای آنها امنیت‌آور نیست، همان‌طور که سال‌ها شیردهی یکطرفه به آمریکایی‌ها برایشان امنیت نیاورد. سیاست‌هایتان را اصلاح کنید تا نیاز نباشد از دیگران گدایی امنیت کنید.

### تصاویر جدید از پهپادهای منهدم‌شده آمریکا توسط سپاه

روز گذشته تصاویر جدیدی از بقایای پهپادهای آمریکایی-صهیونی که توسط سامانه پدافندی نوین نیروی هوافضای سپاه پاسداران رهگیری و منهدم شده‌اند، منتشر شد. در تصاویر فوق پهپاد شناسایی-رزمی MQ-۱C گری ایگل، پیشرانه توربوپراپ TP۳۳۱ مورد استفاده در پهپاد شناسایی-رزمی MQ-۹ رپیر و همچنین یک پهپاد شناسایی-رزمی هرمس-۹۰۰ قابل مشاهده است.

### عبودتیان: افشای جنایت آمریکایی‌ها، اولین گام امت در خونخواهی است

دبیر جبهه مردمی انقلاب اسلامی در سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعه درباره مسئله خونخواهی اظهار داشت: مسئله خونخواهی بسیار گسترده است. امروز یکی از مهم‌ترین کارهایی که امت امام شهید باید انجام دهد، مسئله تبیین است. عده‌ای می‌خواهند این مسئله را جور دیگر تعبیر کنند. مسئله قصاص، مسئله‌ای ناظر به گذشته نیست با قصاص، امام شهید ما باز نمی‌گردد. این مسئله، مسئله آینده حیات بشر است. وی در ادامه با تأکید بر قصاص عاملان و آمرین این جنایت است گفت: مسئله به اینجا ختم نمی‌شود. یک جریانی است که سال‌ها است دارد جنایت می‌کند و باید مقابل آن بایستیم. مسئله فقط خونخواهی امام شهید نیست، کودکان میناب، دختران لامرد و شهدای ما در تهران نیز هستند. عبودتیان با بیان اینکه اولین کار امت باید افشای ظلم باشد گفت: ما نباید اجازه دهیم که این جنایت لاپوشانی شود. امروز در اکثر نقاط دنیا رد پای جنایت آمریکا به چشم می‌خورد. این باید یک حرف جهانی شود. باید از شبکه مجازی استفاده کنیم. افشای جنایت اولین گام امت در خونخواهی است.

### نماز جمعه

## آیت‌الله علم‌الهدی: کسانی که می‌گویند بدھیم برود، منافق‌اند

آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی در خطبه دوم نماز جمعه این هفته مشهد مقدس که در حرم مطهر رضوی برگزار شد، اظهار کرد: امروز دو گفتمان انحرافی به وجود آمده است که تا اندازه‌ای با این مجاهدت و قهرمانی مردم ما سازگار نیست و باعث تردید و نگرانی عده‌ای در برابر دشمن شده است.

امام جمعه مشهد افزود: گفتمان نخست این است که می‌گوید «جنگ تا چه زمانی می‌خواهد، ادامه پیدا کند؟ هرچه دشمن می‌خواهد را به او بدهیم تا جنگ تمام شود»؛ افرادی که می‌گویند جنگ را تمام کنید، برود مانند افراد و منافقینی هستند که در جنگ احزاب وقتی سپاه چند هزار نفری دشمن را دیدند، گفتند خدا و پیامبر (ص) به ما دروغ گفتند و ما را فریب دادند؛ این آدم بی‌عقلی که می‌گوید آمریکا ۱۰ هزار دلار دارد و ما هزار دلار داریم، پس ما شکست خورده‌ایم، یا منافق است یا قلب مریضی دارد؛ در صورتی که با عنایت و امداد خداوند مسیر پیروزی ما همواره گشسته و خداوند متعال رهگیری موشک‌های ما را از دشمن گرفته است و پدافند متریقی و جهانی او را از بین برده است، حال ما این عنایت خدا را نادیده بگیریم و جنگ را تمام کنیم، وی گفتمان دوم را متعلق به افرادی دانست که مدام آیه یاس می‌خوانند و منفی بافی می‌کنند که این‌ها رفتند، همه چیز را دادند، دیگر انرژی هسته‌ای و حزب‌الله را نداریم، در حالی که رزمندگان ما چنان قوی هستند که وقتی دشمن خواست در ماده پنج تفاهم‌نامه یک راه عوضی و انحرافی به جای تنگه هرمز ایجاد کنند، سه نفت‌کش را زدند که این منشأ جنگ دوم برای دشمن شد، رزمندگان ما در این جنگ نیز ایستادند و دشمن را مستأصل کردند.



## ✓ جامعه مدرسین: مذاکره با آمریکا تامین کننده صلاح امت اسلامی نیست



روز گذشته، جامعه مدرسین در تقدیر از محبت، مودت و کرامت مردم عراق و موکب داران اربعین و همه حماسه سازان راهپیمایی اربعین بیانیه‌ای صادر کرد. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است: مردم مهربان، صمیمی و با کرامت عراق

باز هم جلوه‌های متنوع و گسترده هویت ایمانی خود را آشکار کردند و با عشق و علاقه، شعار «حب الحسین یجمعنا» را معنا بخشیدند. همچنین آمده است: عظمت راهپیمایی اربعین، دشمن شکن و اقتدار آفرین است و بی‌شک، دشمنان امت اسلامی در پنهان کردن حقیقت این اجتماع بزرگ دینی و حتی تخریب آن، از هیچ تلاشی تا کنون فروگذاری نکرده‌اند و در آینده نیز چشم طمع از آن برنخواهند داشت. در بخشی دیگر از این بیانیه تصریح شده است: رژیم جنایتکار آمریکا، دشمن تمام بشریت است و جبهه‌ی مبارزه با آمریکا امروز یک جبهه جهانی است. دل‌های مردم ستمدیده و آزادگان جهان با مردم ایران و جبهه مقاومت همراه است

و بی‌شک پیروزی نهایی با جبهه حق و پیروان مکتب عاشوراست. آمریکا به عنوان مصداق بارز استکبار و شیطان بزرگ، بر هیچ عهد و پیمانی متعهد نیست و هیچ گفت‌وگو و مذاکره‌ای با شیطان، تأمین کننده صلاح امت اسلامی نیست. رزمندگان میدان و مردم مبعوث شده در خیابان، ذیل سخنان راهگشا و روشنگر رهبر معظم انقلاب (حفظه‌الله تعالی) در مطالبه خون امام شهید و قصاص قاتلین آن شهید عزیز و دیگر شهدای ملت همچنان استوار هستند و بر ادامه جهاد و مقاومت تأکید دارند. بی‌شک صلح با دشمنی که برای حذف و نابودی ایران از هیچ اقدام جنایتکارانه‌ای فروگذار نبوده و همچنان نسخه مذاکره برای تسلیم می‌پیچد، صلی شرافتمندانه نیست و

رئیس دولت در گفتگوی ویدئویی، به جای پاسخ به سوالات واقعی مردم، رویکردی انتخاباتی و جناحی داشت

# ستادها همچنان فعال است

گزارش ویدئویی رئیس دولت به مردم در دومین سالگرد تحلیف ریاست جمهوری، بیش از آنکه گزارش به مردم از میزان تحقق وعده‌ها و یا بیان دلایل ناکامی باشد، ویدئوهای انتخاباتی و کلیپ‌های تبلیغاتی را به اذهان متبادر کرد. پزشک‌بان در این گفتگو که به جای اصحاب رسانه با مسئولان دفتر ریاست جمهوری صورت گرفت، صرفاً به حواشی پرداخت و در بخش‌هایی نیز رویکرد قطبی‌سازی را علیه مردم حاضر در خیابان در پیش گرفت.

جعفر کاظمی  
روزنامه‌نگار

پزشکیان خلق کند؛ مصداق رفتار نادرست تبلیغاتی و انتخاباتی، نه رفتار مسئولانه در حوزه پاسخگویی.

رویکرد انتخاباتی دولت البته در جای جای دولت رخنه کرده و هر چند روز یکبار سرباز می‌کند. پزشکیان چند روز قبل نیز در بحبویه تنش‌های ایران و آمریکا

و نقض عهد‌های متعدد تقاهم نامه میان او و ترامپ توسط آمریکایی‌ها، ترجیه داد تا با مسئولان ستاد انتخاباتی خود دیدار کند. تصمیمی به دور از مسئولیت‌پذیری و بی‌توجه به شان و جایگاه ریاست جمهوری. در آن دیدار که در دفتر رئیس جمهور برگزار شد چهره‌هایی چون علی شکوری‌راد محکوم امنیتی و شهرام دبیری معاون پارلمانی معزول دولت چهاردهم نیز حضور داشتند.

علی شکوری‌راد اصلاح طلب تندرویی است که بهمن سال گذشته حکم یک سال حبس او آغاز شد و همزمان سخنگوی دستگاه قضایی از طرح پرونده‌های جدید امنیتی درباره او سخن گفته بود؛ با این حال حضور یک محکوم امنیتی که می‌بایست دوران محکومیت خود را زندان سپری کند در دفتر ریاست جمهوری و دیدار با رئیس دولت، امری مشکوک و سوال برانگیز است.

نوبنیاد بهمن ماه گذشته در گزارشی با عنوان دولت در فکر انتخابات برخی رویکردهای غیراجرائی در دولت را مورد انتقاد قرار داده بود. از جمله در آن گزارش با اشاره به انتشار اخباری مبنی بر «دورهمی معاونان ستاد

انتخاباتی مسعود پزشکیان» به ریاست عبدالعلی زاده رئیس ستاد انتخاباتی پزشکیان، نوشتیم که عبدالعلی زاده هم‌اکنون در دولت مسئولیت رسمی دارد و با حکم پزشکیان، نماینده ویژه رئیس جمهور در توسعه اقتصاد دریامحور است. برگزاری این گونه جلسات با حضور چهره‌های سیاسی و حزبی و طرح موضوعات رادیکال در آن بوضوح نشان می‌دهد انتخابات از دستورکار تیم پزشکیان خارج نشده است؛ موضوعی که می‌توان آن را دلیلی بر حاد شدن مسائل اقتصادی امروز کشور برشمرد.

ناظر به این موارد به نظر می‌رسد دولت و متحدان آن مانند رئیس مجلس و حلقه‌های پیرامونی، همچنان در فضاهای انتخاباتی سیر می‌کنند و بر اساس همین ذهنیت، منتقدان را به رفتارهای انتخاباتی متهم کرده‌اند. تا جایی که دستیار رئیس مجلس اخیراً حتی منتقدان تقاهم نامه را هم متهم به دعوای انتخاباتی کرد، در حالی که کانال انتخاباتی حامیان این طیف همچنانفعال بوده و رقبای انتخاباتی را همچون دوره انتخابات، آماج اتهامات قرار می‌دهد.



## دورهمی فامیلی در دولت

مسعود پزشکیان، طی گفتگوی اخیر خود با مردم در صداوسیما برای چندمین مرحله از ضرورت شایسته سالاری و انتصاب افراد توانمند و متخصص در مسئولیت‌های مختلف صحبت کرده است. با توجه به این اظهارات، برخی از انتصابات در دولت ایشان که صرفاً بر اساس روابط بوده فقط به عنوان نمونه ذکر می‌شوند: «داماد رئیس جمهور؛ دستیار رئیس دفتر رئیس جمهور»، «فرزند رئیس جمهور؛ مشاور رئیس دفتر رئیس جمهور»، «همسر رئیس مجلس عضو ستاد ملی زن و خانواده»، «برادر وزیر ارتباطات؛ معاون فرهنگی و اجتماعی معاون اول»، «همسر رئیس دفتر روحانی، مشاور وزیر و مدیرکل بانوان وزارت کشور»، «برادر وزیر ارتباطات؛ مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری مسکن جنوب»، «آقا زاده وزیر اسبق کشور؛ معاون پشتیبانی نهاد ریاست جمهوری»، «آقا زاده وزیر اسبق کار؛ دبیر کمیسیون علم و فناوری دفتر دولت» و ... صد‌ها نمونه دیگر ...

## گزارش کوتاه

## از بوئنوس آیرس تا کاراکاس؛ پایین کشیدن پرچم آمریکا و درس‌های تلخ اعتماد به واشنگتن

روز گذشته تصاویری از اعتراضات مردم آرژانتین علیه دولت خاویر میلی، رئیس جمهور آرژانتین که حمایت‌های او از سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در جهان، مشهور است، در فضای مجازی منتشر شد. در جریان این تجمع چند ده هزار نفری اعتراضی علیه رئیس جمهور آرژانتین، معترضان در بوئنوس آیرس در مقابل ساختمان کنگره تجمع کردند و پرچم آمریکا را پایین کشیدند. در اعتراضات اخیر مردم آرژانتین، هزاران نفر در پایتخت آرژانتین در اعتراض به لایحه جنجالی املاک دولت «خاویر میلی» به خیابان‌ها آمدند و همزمان با بررسی این لایحه در سنای این کشور، مقابل ساختمان کنگره تجمع کردند. این اعتراضات مردمی در آرژانتین که با پایین کشیدن پرچم آمریکا همراه بود در حالی شکل گرفت که رئیس جمهور آمریکا در ایام انتخابات این کشور و پیش از پیروزی خاویر میلی و ارائه وعده کمک‌های مالی به بوئنوس آیرس، تهدید کرده بود در صورت شکست حزب میلی، «با آرژانتین سخاوتمند نخواهد بود». در واقع، مردمی که زمانی با وعده‌های فریبنده سیاستمداران آمریکایی فریفته شدند و به پیروزی گزینه مورد نظر ایالات متحده در انتخابات کمک کردند، اکنون با نگاهی به اوضاع اسفبار اقتصادی آرژانتین، به خوبی دریافته‌اند که وعده‌های دولت‌مردان آمریکایی جز سرابی بیش نبوده است.

از سوی دیگر نیز، این تجربه اعتماد تلخ به آمریکا، پس از فاجعه زمین‌لرزه ویرانگر در این کشور، برای مردم ونزوئلا بر ملا شده است. زلزله شدیداً اوایل ژوئن که به مرگ بیش از ۵۵۰۰ نفر و آوارگی هزاران تن منجر شد، نه تنها زیرساخت‌های ضعیف شده این کشور را نابود کرد، بلکه نقاب از چهره ناکارآمد و منفعت طلبانه سیاست‌های آمریکا برداشت. طبق گزارش پولیتیکو، در استان «لاگوایرا»، یکی از آسیب‌دیده‌ترین مناطق، پس از گذشت هفته‌ها از این حادثه، بوی تعفن اجساد جامانده زیر آوارها فضا را پر کرده است. بازماندگان و داوطلبان مجبورند با دست‌های خالی و ابزارهای ابتدایی، زیر خروارها بتن و خاک به دنبال پیکر عزیزانشان بگردند.

تحلیلگران بر این باورند که مداخلات کاخ سفید و تحمیل چارچوب‌های سیاسی از سوی آمریکا، نه تنها به استقرار دیکراسی یا بهبود زندگی مردم منجر نشده، بلکه فرایند امداد رسانی را نیز فلج کرده است. در حالی که نیروهای آمریکایی و دیپلمات‌های واشنگتن در کاراکاس حضور دارند، تمرکز اصلی آنها بر معاملات نفتی و حفظ منافع اقتصادی است. طبق گزارش اوایل پرایس، ترامپ اعلام کرده است که از زمان در اختیار گرفتن دارایی‌های نفتی ونزوئلا توسط ایالات متحده، فروش نفت این کشور بیش از ۱۳ میلیارد دلار درآمد ایجاد کرده است.

سرویس گذاشتن دیپلمات‌های آمریکایی بر ناکارآمدی و ناتوانی در مدیریت بحران زلزله، موجی از خشم عمومی را علیه واشنگتن ایجاد کرده است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که محبوبیت مقامات آمریکایی از جمله وزیر خارجه این کشور در ونزوئلا به شدت سقوط کرده و مردم، واشنگتن را نه یک ناجی، بلکه عامل اصلی تعمیق بحران کشورشان می‌دانند. «ترینو مارکر»، جامعه‌شناس ونزوئلایی، درباره اظهار داشت: «مردم انتظار یک گذار واقعی را داشتند، اما این اتفاق نیفتاد، چون در برنامه‌های ترامپ جایی نداشت؛ بی‌توجهی و مداخلات منفعت طلبانه آمریکا، به قیمت بی‌اعتباری کامل واشنگتن در چشم مردم تمام شده است.»

تجربه‌ی تلخ آرژانتین و ونزوئلا، گواهی روشن بر سرانجام اعتماد به آمریکا و دست‌نشاندهای آن در منطقه است. اما گویا این عبرت‌ها برای طیفی از سیاستمداران داخلی هنوز به باور نرسیده؛ چه اینکه این روزها، زمزمه‌های تازه‌ای از پروژه‌ی سازش و معامله‌گری با آمریکا شنیده می‌شود که نشان از تکرار اشتباهات گذشته دارد.



## اقتصاد آمریکا در سرایشی ضعف



اقتصاد آمریکا در ماه ژوئیه ۲۰۲۶، برخلاف پیش بینی ها، با کاهش اشتغال مواجه شد؛ رویدادی که نگرانی ها درباره وضعیت بازار کار و مسیر تصمیم گیری فدرال رزرو در خصوص نرخ بهره را افزایش داده است. بر اساس گزارش جدید وزارت کار آمریکا، اشتغال بخش غیرکشاورزی در ماه گذشته ۲۳ هزار شغل کاهش یافت؛ در حالی که اقتصاددانان شرکت کننده در نظرسنجی رویترز انتظار داشتند تعداد مشاغل حدود ۸۰ هزار مورد افزایش پیدا کند. این گزارش نشان داد برآوردهای قبلی درباره اشتغال در ماه های مه و ژوئن به طور قابل توجهی اصلاح شده و اقتصاد آمریکا در مجموع ۱۰۳ هزار شغل کمتر از آنچه پیش تر اعلام شده بود، ایجاد کرده است. این کاهش شدید در آمار اشتغال، پرسش هایی را درباره قدرت واقعی بازار کار و احتمال تغییر مسیر سیاست های پولی بانک مرکزی

آمریکا مطرح کرده است.

اگرچه نرخ بیکاری آمریکا از ۴.۲ درصد در ژوئن به ۴.۱ درصد در ژوئیه کاهش یافت، اما این کاهش نشانه بهبود شرایط اشتغال نبود. دلیل اصلی افت نرخ بیکاری، خروج ۲۶۴ هزار نفر از نیروی کار بود که باعث شد نرخ مشارکت اقتصادی به ۶۱.۴ درصد و پایین ترین سطح خود در حدود پنج سال و نیم گذشته برسد. کریستوفر راپکی، اقتصاددان، گفت: «به نظر می رسد بازار کار ترمز استخدام های جدید را کشیده است و ادامه خروج افراد از بازار کار می تواند چشم انداز رشد اقتصادی را تضعیف کند.»

کاهش اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی نیز گسترده بود. آموزش در دولت های محلی ۵۰ هزار شغل از دست داد، بخش خرده فروشی با کاهش ۱۹ هزار شغل مواجه شد و فعالیت های مالی نیز ۱۴ هزار شغل



نیم سهدی

روزنامه نگار



### وقتی کارنامه ای برای ارائه نیست

مردم زمانی یک سیاست اقتصادی را موفق ارزیابی می کنند که اثر آن را در زندگی خود ببینند؛ یعنی تورم کاهش یابد، قدرت خرید افزایش پیدا کند و تولید رونق بگیرد. رئیس دولت چهاردهم باید بگوید در دو سال گذشته چه میزان از تورم را مهار کرده، چه مقدار رشد اقتصادی را افزایش داده، چه تعداد شغل پایدار ایجاد کرده، سهم سرمایه گذاری از تولید ناخالص داخلی را چگونه تغییر داده و چه اثری بر رفاه خانوار گذاشته است. وقتی این پاسخ ها ارائه نمی شوند، یعنی عملکرد دولت قابل دفاع نیست و رئیس آن می خواهد به جای کارنامه، روایت بفروشد. مشکل پزشکian فقط این نیست که از آمار نام نبرد، بلکه این است که او در مقام رئیس جمهور، هنوز زبان مسئولیت پذیری اقتصادی را پیدا نکرده است.

از همان سؤال نخست مجری مشخص بود که محتوای این تریبون یک طرفه، هرچه باشد، ارائه گزارش به مردم نیست. تیم رسانه ای دولت در ابتدای این برنامه از پزشکian می خواهد شرایط کشور را در آغاز به کار دولت ترسیم کند و می پرسد: «زمانی که دولت را تحویل گرفتید، کشور با چه وضعیتی مواجه بود؟» پرسشگر اما طاقت نمی آورد، خود را جای پزشکian می گذارد و شروع به سیاه نمایی وضعیت کشور در سال ۱۴۰۳ می کند و مدعی می شود: «نابسامانی ها و ناترازی های گسترده ای در حوزه برق و سوخت وجود داشت که به تولید کشور آسیب می زد؛ صنایع در تابستان با قطعی برق و در زمستان با قطعی گاز روبه رو بودند.» همین سؤال نخست نشان داد آنچه قرار است ارائه شود، بیش از آنکه گزارش عملکرد باشد، تخریب دولت گذشته برای توجیه نابسامانی های ناشی از ناکارآمدی هاست. پزشکian نیز در ادامه نطق تیم رسانه ای خود، پاسخ از پیش هماهنگ شده را از حفظ قرائت می کند و می گوید: «برایند وضعیت این بود که در زمستان باید با قطعی برق، آب و گاز مواجه می شدیم، مجموع ذخایر انرژی ما یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون لیتر بود و می گفتند این ذخایر تا آبان بیشتر دوام نمی آورد. پس از آن، دیگر سوختی نداشتیم که نیروگاه هایمان را با آن بچرخانیم. کمبود گاز هم داشتیم و بحث این بود که در زمستان، هم برق نخواهیم داشت و هم گرمایش با مشکل مواجه خواهد شد؛ اما با همکاری، همراهی و مدیریت، این اتفاق نیفتاد.»

بررسی صحت و سقم گزاره های ادعایی پزشکian در همین چند جمله نخست، عیار کل محتوای سخنان او را در این نمایش تبلیغاتی مشخص می کند. نکته نخست آنکه میزان ذخایر گاز و ژئیل کشور در شهریور ۱۴۰۳، معادل یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون لیتر بود، نه یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون لیتر. نکته دیگر آنکه سطح ذخایر گاز و ژئیل در سال ۱۴۰۳ به مراتب بیشتر از رقمی بود که دولت روحانی برای دولت شهید رئیسی بر جای گذاشته بود. تیم رسانه ای دولت برای تخریب دولت سیزدهم، بارها از کاهش چشمگیر سطح ذخایر گاز و ژئیل در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ سخن می گفت تا به این شکل، ضمن تخریب دولت سیزدهم، وضعیت کشور را بحرانی جلوه دهد. اما واقعیت این است که سطح ذخایر گاز و ژئیل در سال ۱۴۰۲ به یک دلیل استثنایی افزایش یافته بود و آن هم

قطع صادرات گاز به ترکیه بود. با این حال، این ذخایر بسیار زیاد در تابستان ۱۴۰۲، پس از انفجار تروریستی در خط لوله اصلی انتقال گاز پروجن در بامداد چهارشنبه، ۲۵ بهمن ماه ۱۴۰۲، به منظور حفظ جریان انرژی و تأمین سوخت مناطق سردسیر برای عبور از فصل سرما استفاده شد. در نتیجه، میلیارد ها لیتر گاز و ژئیل در زمستان سال ۱۴۰۲ مصرف شد تا در نبود گاز، سوخت مناطق سردسیر تأمین شود. با این حال، تیم رسانه ای دولت پزشکian بدون اشاره به این حقایق، موضوع را به گونه ای روایت می کند که گویی دولت شهید رئیسی سطح ذخایر گاز و ژئیل را کاهش داده است تا دولت پزشکian را زمین گیر کند.

چند ماه پس از آغاز به کار دولت پزشکian، محسن پاک نژاد، وزیر نفت دولت پزشکian، در صحن علنی مجلس اعتراف کرد که کاهش سطح ذخایر گاز و ژئیل در زمستان ۱۴۰۳ ناشی از خطای وزیر نیروی دولت پزشکian، عباس علی آبادی، بوده است؛ چرا که مصرف گاز و ژئیل در تابستان در نیروگاه های برق، باعث شد ذخایر کمتری برای زمستان کشور باقی بماند. پاک نژاد همه تدابیر وزارت نفت دولت سیزدهم برای تأمین سوخت نیروگاهی را تأیید و از زحمات جواد اوجی تشکر کرد. وزیر نفت نامه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ اوجی، وزیر نفت دولت شهید رئیسی، به دبیرخانه شعام اشاره کرد که در آن بر لزوم مصرف بیشتر نفت کوره در نیروگاه ها از اواسط تابستان تأکید شده بود؛ اتفاقی که با سهل انگاری وزارت نیروی دولت چهاردهم، با تأخیر و اواخر آذرماه آغاز شد. همچنین قوه قضاییه در ۱۱ دی ماه ۱۴۰۳ ادعای دولت چهاردهم درباره خاموشی های زمستان آن سال را تکذیب کرده بود. پزشکian، در حالی که عدم ذخیره سوخت جایگزین نیروگاه ها از سوی دولت سیزدهم را دلیل کمبود سوخت نیروگاه ها و قطع برق عنوان کرده بود، سخنگوی دستگاه قضا در دی ماه ۱۴۰۳ اعلام کرد که پیگیری سازمان بازرسی کل کشور حاکی از آن بوده است که حجم نفت گاز ذخیره شده در اوایل شهریور ۱۴۰۳، با میزان ذخایر آن در سال گذشته یکسان بوده است.

نکات یاد شده نشان می دهد مهم ترین دستاویز دولت پزشکian برای تخریب دولت شهید رئیسی و توجیه نابسامانی های کنونی، تا چه اندازه از واقعیت دور است. این نکات، اما، تنها ناظر بر یک مورد از اظهارات پزشکian در این برنامه ضبط شده است. سایر بخش های اظهارات پزشکian در این برنامه نیز حکایتی مشابه دارد که پرداختن به همه آنها از حوصله این نوشتار خارج است. مرور سخنان رئیس

از دست داد. در مقابل، بخش خدمات درمانی ۲۲ هزار شغل ایجاد کرد، اما این میزان کمتر از میانگین ماهانه سال گذشته بود. اشتغال در بخش های ساخت و ساز و تولید نیز تقریباً ثابت باقی ماند. انتشار این آمار باعث شد انتظارات بازارهای مالی درباره افزایش نرخ بهره در نشست سپتامبر فدرال رزرو کاهش یابد. طبق داده های بازار، احتمال افزایش نرخ بهره پس از انتشار گزارش اشتغال به ۴۳ درصد رسید؛ در حالی که پیش از آن، ۵۷ درصد ارزیابی می شد. اکنون توجه سرمایه گذاران به داده های تورمی در هفته جاری معطوف شده است؛ چرا که این آمار می تواند نقش تعیین کننده ای در تصمیم نهایی فدرال رزرو داشته باشد. کاهش بازده اوراق خزانه آمریکا و افت ارزش دلار پس از انتشار گزارش اشتغال نشان داد بازارها این داده ها را نشانه ای از تضعیف تدریجی اقتصاد آمریکا تلقی کرده اند.

وقتی آمارهای اقتصادی در گفت و گوی صادقانه غایب بودند

## وقتی پزشکian به جای آمار، روایت می فروشد

قسمت دوم صحبت های مسعود پزشکian که پنجشنبه شب با عنوان «گزارش صریح و صادقانه» پخش شد، در حالی روی آنتن رفت که بخش عمده آن نه از جنس گزارش بود و نه چندان نشانی از صداقت داشت. توسل به شوگرد نخ نماي «تخریب دولت گذشته» برای میرا کردن خود، مرور چند باره «بایدها» - آن هم از سوی رئیس قوه مجریه و در سال دوم فعالیت دولت - و سکوت در قبال مسائل اصلی اقتصادی کشور، از جمله تورم افسارگسیخته، بخشی از نکات نمایش ضبط شده تیم رسانه ای دولت با حضور مسعود پزشکian بود.

دولت چهاردهم نشان می دهد دست تیم رسانه ای پزشکian در دفاع از کارنامه اقتصادی وی، به ویژه در موضوع حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی، به اندازه ای خالی است که مصاحبه گری تیم رسانه ای دولت، بدون اشاره به هیچ منبعی، مدعی می شود: «بر اساس آمارها، پس از این اقدام تقاضا در بازار افزایش یافت!» این ادعا، اما، به اندازه ای عجیب بود که حتی خود پزشکian در واکنش به آن گفت: «اطلاعات من برعکس چیزی است که شما می گویند؛ تقاضا کاهش پیدا کرده است.» البته بلافاصله پس از این اعتراف، پزشکian مدعی شد که قدرت خرید دهک های پایین پس از اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز افزایش یافته است!

### سانسور مسائل اقتصادی

نکات انتقادی درباره محتوای برنامه ضبط شده اخیر پزشکian، البته، به گفته های وی محدود نیست. اتفاقاً ناگفته های وی مسئله اصلی این نمایش بود. رئیس دولت چهاردهم درباره اینکه نتیجه سیاست های او در سفره مردم، قدرت خرید خانوار، تورم، سرمایه گذاری و رشد اقتصادی چه بوده است، عددی ارائه نکرد. مسائل اقتصادی که اکنون مهم ترین مسئله کشور و دغدغه نخست مردم است، اساساً جایگاهی در برنامه ضبط شده تیم تبلیغاتی پزشکian نداشت. رکوردشکنی تورم، منفی شدن رشد اقتصادی در دولت چهاردهم، گسترش فقر، از بین رفتن صدها هزار شغل و موارد دیگری از این دست، هیچ یک جایگاهی در سؤال های افراد پشت صحنه این نمایش و اظهارات رئیس دولت نداشتند. مهم ترین شاخصی که در سخنان اقتصادی پزشکian جای خالی آن احساس می شد، تورم بود. او درباره اصلاحات اقتصادی، عدالت در پرداخت یارانه ها و کنترل فساد صحبت کرد، اما درباره سیاست های ارزی دولت و فشار تورمی وارد شده بر خانوارها توضیحی نداد. بی توجهی به مسائل اقتصادی در حالی رخ داد که طبق آخرین گزارش مرکز آمار و بانک مرکزی، تورم به بالاترین سطح از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون، یعنی در ۸۳ سال اخیر، رسیده است. تورم نقطه به نقطه در مصرف کننده در پایان تیرماه امسال به کانال ۸۰ درصد رسیده و تورم خوراکی ها نیز با عبور از مرز ۱۰۰ درصد، سه رقمی شده است. مسعود پزشکian که دو سال پیش دولت شهید رئیسی را بابت تورم ۳۵ درصدی مؤاخذه می کرد، اکنون با وجود رکوردشکنی تورم، حتی حاضر نیست در این باره به مردم توضیح دهد.

### گزارش کوتاه

## چرا قبض برق برخی مشترکان چند برابر شد؟

بسیاری از مشترکان پس از دریافت قبض های برق برای دوره تیرماه با ارقامی مواجه شدند. مقایسه قبض برق برخی مشترکان در تیر و خرداد امسال نشان می دهد هزینه مصرف برق سه تا چهار برابر شده است؛ موضوعی که این گمانه را مطرح کرد که قیمت برق بدون اطلاع رسانی افزایش یافته است. با این حال، مسئولان وزارت نیرو افزایش قیمت را رد و تأکید کردند که افزایش مبلغ قبوض، نتیجه افزایش مصرف در فصل گرما و عبور از الگوی تعیین شده مصرف است؛ الگویی که در نظام تعرفه گذاری پلکانی برق نقش تعیین کننده ای در مبلغ نهایی قبض دارد. در همین زمینه مصطفی رجبی مشهدی، معاون برق و انرژی وزارت نیرو گفت: تعرفه برق فقط یک بار در سال و از ابتدای اردیبهشت تغییر می کند و در روزهای اخیر هیچ تغییر قیمتی تازه ای در قبوض اعمال نشده است. او افزود: اگر مصرف مشترک از الگوی تعیین شده بیشتر باشد، هزینه برق مشترک به صورت پلکانی و با ارقام بالاتر محاسبه می شود. سخنگوی صنعت برق تأکید کرد: قبض های سنگین عمدتاً ناشی از عبور مشترکان از الگوی مصرف است.

عبدالامیر یاقوتی، مدیرکل دفتر مدیریت انرژی و برنامه ریزی امور مشتریان شرکت توانیر با اشاره به وضعیت مصرف برق در بخش خانگی گفت: حدود ۷۵ درصد جامعه زیر الگوی مصرف قرار دارند؛ به این معنا که حدود سه چهارم مشترکان کمتر از سطح تعیین شده به عنوان الگوی مصرف برق استفاده می کنند. او درباره سهم هریک از این گروه ها از مصرف برق بخش خانگی بیان کرد: حدود ۵۲ درصد مصرف برق بخش خانگی مربوط به همان ۷۵ درصد مشترکانی است که در محدوده الگو مصرف می کنند. ۱۵ درصد مشترکانی که بین الگو تا یک و نیم برابر الگو مصرف دارند، حدود ۱۸ درصد مصرف بخش خانگی را به خود اختصاص می دهند و سهم ۸ درصد مشترکانی که بین یک و نیم تا دو برابر الگو مصرف دارند نیز حدود ۱۷ درصد است. در این میان، حدود ۲ درصد مشترکان بیش از دو برابر الگو مصرف می کنند، اما سهم آنها از مصرف برق بخش خانگی به حدود ۱۰ درصد می رسد. یاقوتی اظهار کرد: یکی از اقدامات در مرحله نخست، اعمال تعرفه های مربوط به مشترکان پرمصرف است. برای این گروه، قبض برق می تواند به ازای هر کیلووات، حدود ۴۰ برابر تعرفه یک مشترک معمولی که در محدوده الگو مصرف می کند، صادر شود و طبیعتاً رقم قبض این مشترکان بالا خواهد بود. اگر مصرف یک مشترک نسبت به دوره مشابه سال گذشته تغییر نکرده باشد، در شرایط عادی نباید افزایش نرخ بیش از ۴۰ درصد را تجربه کند.



مزیت‌های راهبردی ایران از دریا تا خشکی نشان می‌دهد؛

## نقشه تهران برای عبور از محاصره دریایی

محاصره دریایی یکی از قدیمی‌ترین ابزارهای اعمال فشار اقتصادی بر کشورهاست. کشوری که دسترسی آن به دریا محدود شود، با افزایش هزینه واردات، دشوار شدن صادرات، اختلال در زنجیره تأمین و نوسان قیمت کالاها روبه‌رو می‌شود.

به همین دلیل، بسیاری از جنگ‌های اقتصادی، پیش از آنکه در میدان نبرد تعیین تکلیف شوند، در مسیرهای حمل‌ونقل و تجارت خارجی رقم می‌خورند. با این حال، محاصره دریایی همیشه به معنای بن‌بست اقتصادی نیست.



فاطمه عربی

پژوهشگر اقتصادی

تجربه سال‌های اخیر نشان داده است کشورهایی که از شبکه‌ای متنوع از مسیرهای زمینی و همسایگان متعدد برخوردارند، می‌توانند بخش مهمی از فشار را به خشکی منتقل کنند. روسیه پس از تحریم‌های گسترده غرب در سال ۲۰۲۲، با تکیه بر کریدور شمال-جنوب، مسیرهای آسیای مرکزی و توسعه تجارت با چین، بخشی از محدودیت‌های حمل‌ونقل دریایی را جبران کرد و وابستگی خود به مسیرهای سنتی را کاهش داد.

ایران نیز از نظر جغرافیایی در موقعیتی کم‌نظیر قرار دارد. همجواری با ۱۵ کشور، بیش از ۶ هزار کیلومتر مرز زمینی، قرار گرفتن در محل تلاقی کریدورهای شرق-غرب و شمال-جنوب و برخورداری از شبکه گسترده راه‌آهن و جاده، ظرفیت‌هایی هستند که در شرایط بحرانی می‌توانند بخشی از تجارت خارجی را از دریا به خشکی منتقل کنند.

اعلام دور تازه محدودیت‌های دریایی علیه ایران توسط آمریکا نشان می‌دهد هدف اصلی چنین اقداماتی، افزایش هزینه مبادلات، بالا بردن ریسک تجارت و کاهش دسترسی ایران به بازارهای جهانی است. با این حال، بررسی داده‌های موجود نشان می‌دهد این راهبرد تاکنون نتوانسته به انسداد کامل مسیرهای دریایی منجر شود. براساس اطلاعات سامانه مارین ترافیک (MarineTraffic)، از مجموع ۱۴۵ کشتی که در دوره اخیر با محدودیت‌های اعلام‌شده روبه‌رو بوده‌اند، ۸۱ فروند همچنان از تنگه هرمز عبور کرده‌اند؛ یعنی بیش از ۵۶ درصد کشتی‌ها مسیر خود را طی کرده‌اند.

البته این به معنای بی‌اثر بودن فشارهای دریایی نیست. افزایش هزینه بیمه، کرایه حمل‌ونقل، طولانی شدن زمان تحویل کالا و افزایش ریسک تجارت، همچنان می‌تواند هزینه قابل توجهی به اقتصاد تحمیل کند. از همین رو، مسئله اصلی این است که اقتصاد ایران تا چه اندازه می‌تواند بخشی از این فشار را به مسیرهای زمینی منتقل کند. اگر محاصره دریایی هزینه تجارت را افزایش می‌دهد، نخستین راه کاهش این هزینه، استفاده از ظرفیت‌هایی است که پیش از بحران ایجاد شده‌اند. در این زمینه، ایران از معدود کشورهای منطقه است که هم‌زمان به چندین مسیر ترانزیتی دسترسی دارد؛ مزیتی که در شرایط بحران می‌تواند به ابزاری راهبردی تبدیل شود. ظرفیت حمل سالانه شبکه ریلی کشور به بیش از ۵۴ میلیون تن رسیده است؛ در حالی که سهم ریل از جابه‌جایی بار داخلی همچنان پایین‌تر از ظرفیت واقعی آن است. این بدان معناست که بخشی از زیرساخت ریلی کشور، هنوز

بدون نیاز به سرمایه‌گذاری جدید، امکان پذیرش بار بیشتر را دارد. این همان ظرفیتی است که در صورت اختلال در حمل‌ونقل دریایی، می‌تواند برای انتقال کالاهای اساسی، مواد اولیه و محموله‌های ترانزیتی به کار گرفته شود.

در بخش جاده‌ای نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. براساس آمار سازمان راهداری، بیش از ۱۳.۸ میلیون تن کالا از مرزهای زمینی کشور ترانزیت شده و این عملیات با انجام بیش از ۶۲۴ هزار سفر ناوگان بین‌المللی صورت گرفته است. فعالیت ۲۶ پایانه مرزی، نزدیک به سه هزار شرکت حمل‌ونقل بین‌المللی، بیش از ۵۱ هزار کامیون و ۶۳ هزار راننده حرفه‌ای نشان می‌دهد که شبکه لجستیکی کشور از نظر نیروی انسانی و ناوگان، ظرفیت قابل توجهی برای افزایش حجم حمل‌ونقل دارد. بنابراین، چالش اصلی امروز نه کمبود زیرساخت، بلکه نحوه مدیریت و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود است.

### بررسی ظرفیت کریدورهای کشور

در شرایطی که محدودیت‌های دریایی ناگهان تشدید شود، همه کریدورها ارزش یکسانی ندارند. برخی مسیرها به دلیل آماده بودن زیرساخت‌ها، فعال بودن گمرک‌ها و تجربه مستمر در تجارت خارجی، قابلیت استفاده فوری دارند؛ در حالی که برخی دیگر همچنان نیازمند تکمیل پروژه‌های عمرانی هستند. در میان مسیرهای موجود، کریدور غربی از طریق مرزهای بازرگان، رازی و سرو، عملیاتی‌ترین گزینه محسوب می‌شود. مرز بازرگان که پس از بندرعباس مهم‌ترین گذرگاه تجاری کشور است، به صورت شبانه‌روزی فعالیت می‌کند و تنها در یک ماه گذشته، صدها هزار تن کالا از آن عبور کرده است. این مرز نه تنها ایران را به ترکیه متصل می‌کند، بلکه دسترسی زمینی به بازارهای اروپایی را نیز فراهم می‌سازد؛ موضوعی که در شرایط اختلال دریایی، اهمیت آن دوچندان می‌شود.

در کنار آن، مرزهای غربی با عراق نیز به دلیل حجم بالای مبادلات تجاری و همجواری جغرافیایی، ظرفیت قابل توجهی برای انتقال کالا دارند. تکمیل پروژه راه‌آهن شلمچه-بصره می‌تواند این ظرفیت را بیش از پیش افزایش دهد، اما حتی پیش از بهره‌برداری کامل از این پروژه نیز بخش مهمی از تجارت دو کشور از طریق مسیرهای جاده‌ای در حال انجام است. عراق می‌تواند بخشی از شبکه جایگزین حمل‌ونقل منطقه‌ای ایران نیز باشد.

از سوی دیگر، کریدور شمال-جنوب که ایران را از طریق قفقاز به روسیه متصل می‌کند، اگرچه هنوز با گلوگاه‌هایی مانند تکمیل خط رشت-آستارا روبه‌رو است، اما در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی را تجربه کرده است. افزایش قطارهای باری میان ایران، روسیه

و کشورهای آسیای مرکزی نشان می‌دهد که این مسیر از مرحله یک پروژه آینده‌نگر عبور کرده و به تدریج به مسیری عملیاتی تبدیل شده است. در کنار مسیرهایی که هم‌اکنون قابل استفاده هستند، برخی پروژه‌های زیرساختی نقش بیمه بلندمدت اقتصاد ایران را ایفا می‌کنند. این کریدورها شاید نتوانند در کوتاه‌ترین زمان جایگزین حمل‌ونقل دریایی شوند، اما تکمیل آنها تاب‌آوری اقتصاد کشور را در برابر بحران‌های آینده به شکل محسوسی افزایش خواهد داد. مهم‌ترین نمونه، اتصال مستقیم ریلی ایران و چین در چارچوب ابتکار کمربند راه است. آغاز حرکت قطارهای باری مستقیم میان دو کشور، زمان حمل کالا را تقریباً به نصف کاهش داده و وابستگی به مسیرهای دریایی را کمتر کرده است. در کنار آن، پروژه برقی‌سازی مسیر سرخس تا رازی نیز ظرفیت حمل بار این محور را از حدود ۵ میلیون تن به ۱۵ میلیون تن افزایش خواهد داد و جایگاه ایران را در کریدور شرق-غرب تقویت می‌کند.

همچنین پروژه رشت-آستارا، حلقه مفقوده کریدور بین‌المللی شمال-جنوب است. با تکمیل این مسیر، شبکه ریلی ایران به صورت پیوسته به جمهوری آذربایجان، روسیه و بنادر دریای سیاه متصل خواهد شد.

### شرط موفقیت در خنثی‌سازی محاصره

وجود راه‌آهن، جاده و مرزهای متعدد، به خودی خود به معنای موفقیت در عبور از بحران نیست. تجربه کشورهای مختلف نشان داده است آنچه یک کریدور را به مسیر واقعی تجارت تبدیل می‌کند، بیش از هر چیز، کیفیت حکمرانی لجستیک است. اگر فرآیندهای گمرکی زمان‌بر باشد، هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی وجود نداشته باشد یا عبور کالا از مرزها با بروکراسی طولانی مواجه شود، حتی بهترین زیرساخت‌ها نیز کارایی لازم را نخواهند داشت. از این رو، هم‌زمان با توسعه فیزیکی کریدورها، باید اصلاحات نرم‌افزاری نیز در دستور کار قرار گیرد. در شرایط بحرانی، اولویت‌بندی حمل کالاهای اساسی، ایجاد پنجره واحد گمرکی، افزایش تعداد قطارهای باری، هماهنگی مستمر با کشورهای همسایه، کاهش زمان توقف کامیون‌ها در مرزها و تشکیل یک ستاد واحد مدیریت لجستیک، می‌تواند اثر بخشی شبکه حمل‌ونقل را به مراتب بیش از ساخت چند صد کیلومتر خط‌آهن جدید افزایش دهد. اگرچه محاصره دریایی می‌تواند هزینه تجارت خارجی را افزایش دهد، اما سرنوشت آن از پیش تعیین نشده است. کشوری که بتواند ظرفیت‌های ریلی، جاده‌ای و مرزی خود را با مدیریت یکپارچه، تصمیم‌گیری سریع و همکاری منطقه‌ای فعال کند، می‌تواند از موقعیت ترانزیتی خود به عنوان یک مزیت ژئواکونومیک در شرایط بحران بهره‌برد.

### تالار شیشه‌ای

## بورس زیر پای نقدینگی داغ

بازار سهام، دومین هفته مرداد ۱۴۰۵ را مانند هفته نخست این ماه با بازدهی مثبت پشت سر گذاشت و رکورد تاریخی برای شاخص کل بورس، شاخص هم‌وزن و شاخص فرابورس ثبت شد. بازار سهام هفته گذشته را با برتری فروشندگان و افت شاخص کل بورس آغاز کرد؛ به طوری که روز شنبه، سرمایه‌گذاران حقیقی ۱۴۰۰ میلیارد تومان از این بازار خارج کردند، اما در روزهای یکشنبه، دوشنبه و چهارشنبه، خریداران دست‌برتر را داشتند و بازار مثبت بود. شاخص کل بورس تهران، به عنوان نامگر بازار، در هفته منتهی به ۹ مردادماه، بازدهی ۳.۹۳ درصدی را ثبت کرد و ۵ هزار و ۷۷۰ میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار سهام شد. شاخص کل در هفته گذشته نیز با ۶.۵۶ درصد افزایش و با ثبت سقف تاریخی جدید، در ارتفاع ۵ میلیون و ۴۰۷ هزار واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن نیز بازدهی بهتری نسبت به شاخص کل ثبت کرد و با ۷.۱ درصد افزایش، در محدوده یک میلیون و ۵۳۴ هزار واحد قرار گرفت. طی چهار روز معاملاتی هفته دوم مرداد، بیش از ۱۳ هزار و ۶۱۰ میلیارد تومان پول حقیقی‌ها به بازار سهام تزریق شد. همچنین هیچ صنعتی بازدهی منفی نداشت. شاخص ۱۹ صنعت نیز به بالاترین سطح تاریخی خود رسید. طی سه ماه گذشته، میانگین ورود پول ۱۱۰۰ میلیارد تومان در روز ثبت شده، اما از ابتدای مردادماه، ۱۸ هزار و ۸۳۱ میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار شده است.

بازار سهام در حالی به رکوردشکنی‌های خود ادامه داد که شاخص کل بورس از آغاز معاملات در سال جاری، یعنی ۱۲۹ روزه پیاپی، تا پایان هفته گذشته، ۴۵.۶ درصد و شاخص هم‌وزن ۶۱ درصد بازدهی را تجربه کرده‌اند.

کارشناسان می‌گویند حفظ ارزش معاملات خرد و تداوم ورود پول حقیقی به بازار سهام، می‌تواند زمینه را برای ادامه روند صعودی بورس فراهم کند. در عین حال، پس از جهش‌های اخیر، احتمال افزایش فروش‌ها و شناسایی سود در برخی نمادها نیز وجود دارد، اما تا زمانی که جریان نقدینگی در بازار حفظ شود، چشم‌انداز کوتاه‌مدت بورس همچنان مثبت ارزیابی می‌شود. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که رشد‌های پرشتاب، در صورت نبود پشتوانه بنیادی و ورود هیجانی سرمایه‌گذاران، می‌تواند زمینه اصلاح‌های سنگین را فراهم کند. از این رو، بسیاری از تحلیلگران توصیه می‌کنند سرمایه‌گذاران تصمیمات خود را بر پایه تحلیل، وضعیت سودآوری شرکت‌ها و چشم‌انداز صنایع اتخاذ کنند.

همایون دارابی، کارشناس بازار سرمایه در مورد روند صعودی بازار سهام به «نوبت» گفت: واقعیت این است که بازار سهام در هفته گذشته، تحت تأثیر آرامشی که برقرار شده و همچنین پایان درگیری‌ها و شرایط سیاسی، وضعیت مطلوبی را تجربه کرد. از سوی دیگر، گزارش‌های فصل بهار شرکت‌ها بسیار خوب بود؛ همچنین گزارش تیرماه نیز از نظر فروش و بهای تمام‌شده، وضعیت مطلوبی را نشان داد. او تأکید کرد: بازار از نظر بنیادی در شرایط مطلوبی قرار دارد. با توجه به آرامشی که در فضای سیاسی برقرار است، فرضی ایجاد شد تا بازار بتواند رشد کند. در کنار این موضوع، بازارهای موازی و رقیب بورس، مانند طلا، ارز، املاک و خودرو نیز در وضعیت رکود به سر می‌برند. به همین دلیل، بخش قابل توجهی از نقدینگی در حال حرکت به سمت بازار سرمایه است. این فعال بازار سرمایه با بیان اینکه هیچ بازاری برای همیشه صعودی نیست و برای همیشه نزولی نیز باقی نمی‌ماند، افزود: در حال حاضر، بازار با اتکا به ارزندگی شرکت‌ها در حال ادامه مسیر خود است، البته بازار بعد از هردوره رشد، نیازمند بازنگری در قیمت‌هاست. برخی نمادها اصلاح می‌کنند و برخی دیگر همچنان به رشد خود ادامه می‌دهند؛ بنابراین، این نوسان‌ها و اصلاح‌ها بخشی از روند طبیعی بازار است.

پویان مظفری، کارشناس بازار سرمایه می‌گوید: با توجه به شرایط فعلی، انتظار می‌رود بازار هفته جاری را با روندی مثبت آغاز کند و در روزهای ابتدایی، همچنان تقاضا در بسیاری از نماد‌های بزرگ حفظ شود، البته هرچه به روزهای پایانی هفته نزدیک شویم، احتمال افزایش عرضه‌ها وجود دارد، زیرا بخشی از معامله‌گران پس از رشد قیمت‌ها اقدام به شناسایی سود خواهند کرد.

## بحران هرمز روی سفره غرب

رمضانعلی سنگدوینی، عضو کمیسیون انرژی مجلس: تنگه هرمز به مثابه پاشنه آشیل اقتصاد کشورهای صنعتی عمل می‌کند؛ چراکه حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد انرژی دنیا از این مسیر عبور می‌کند.

هرگونه اختلال در تردد کشتی‌های تجاری و نفتی از این گلوگاه کلیدی، نه یک مسئله منطقه‌ای، بلکه بحرانی تمام‌عیار برای اقتصاد جهانی است؛ بحرانی که در حال حاضر توری می‌کشد.

کشورهای غربی تحمیل کرده‌اند. امروز پیامدهای جنگی که از اسفند ۱۴۰۴ در منطقه آغاز شده، به سفره مردم در آمریکا و اروپا رسیده است. اختلال در حمل‌ونقل دریایی باعث شده قیمت کالاهای اساسی، به ویژه مواد غذایی مانند گوشت قرمز در آمریکا، به شدت افزایش یابد. این افزایش قیمت، نتیجه مستقیم رشد هزینه‌های انرژی، حمل‌ونقل و بیمه کشتی‌هاست؛ عواملی که زنجیره تأمین جهانی را فلج کرده‌اند.



ائتلافی برای امنیت یا اعترافی به شکست چتر آمریکایی؟

## امنیت اجاره‌ای، نسخه جدید ریاض

امضای توافق دفاعی سه‌جانبه میان عربستان، ترکیه و پاکستان که از آن با عنوان «توافق مکه» یاد می‌شود، در ظاهر با هدف تقویت امنیت جمعی و همکاری دفاعی انجام شده است اما در پس این توافق، واقعیتی آشکار نهفته است. اعتراف غیرمستقیم ریاض به ناکارآمدی چتر امنیتی آمریکا و تلاش برای یافتن جایگزینی منطقه‌ای. هرچند این پیمان با عنوان دفاعی معرفی شده، اما سوابق رفتاری اعضای آن و تحولات پرشتاب غرب آسیا، پرسش‌های جدی درباره اهداف واقعی و سرنوشت این ائتلاف تازه ایجاد کرده است.

در معادلات غرب آسیا تضعیف شود. از همین رو، تلاش برای ایجاد یک بلوک جدید منطقه‌ای را می‌توان بخشی از تلاش سعودی‌ها برای حفظ نقش و جایگاه خود ارزیابی کرد.

در این میان، ترکیب سه کشور حاضر در این توافق نیز قابل توجه است. عربستان از توان اقتصادی و جایگاه مذهبی برخوردار است، ترکیه دومین ارتش بزرگ ناتو را در اختیار دارد و از ظرفیت قابل توجه صنایع دفاعی بهره می‌برد و پاکستان نیز تنها قدرت هسته‌ای جهان اسلام به شمار می‌رود. در ظاهر، این مجموعه می‌تواند وزن قابل توجهی در معادلات امنیتی منطقه ایجاد کند.

**امنیت کالای اجاره‌ای برای متحدان آمریکا**  
واقعیت این است که امنیت، کالایی نیست که بتوان آن را با دلار، قرارداد یا ائتلاف وارداتی خریداری کرد. کشوری که خاک خود را به پایگاه نظامیان بیگانه تبدیل می‌کند و در ماجراجویی‌های منطقه‌ای مشارکت دارد، ناگزیر هزینه‌های همان سیاست‌ها را نیز خواهد پرداخت.

از این منظر، «توافق مکه» اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت به عنوان نمادی از همکاری سه کشور معرفی شود، اما تازمانی که ریشه‌های اصلی ناامنی در سیاست‌های مداخله‌جویانه، میزبانی نیروهای خارجی و تقابل با همسایگان برطرف نشود، بعید است بتواند امنیت پایدار برای عربستان ایجاد کند.

نکته قابل تأمل آن است که این نخستین بار نیست که عربستان و پاکستان وارد چنین سازوکار دفاعی می‌شوند. دو کشور پیش‌تر نیز در سال ۲۰۲۵ توافقنامه دفاع متقابل امضا کرده بودند که بر اساس آن، حمله به یکی از طرفین، حمله به دیگری تلقی می‌شد و همکاری‌های نظامی و امنیتی دو کشور را وارد مرحله تازه‌ای کرد. با این حال، تجربه عملی این توافق نشان داد که وجود یک پیمان دفاعی الزاماً به معنای ورود نظامی یکی از طرفین به همه بحران‌های امنیتی طرف مقابل نیست.

در سال‌های اخیر، با وجود تداوم حملات یمن به اهداف و زیرساخت‌های عربستان، اسلام‌آباد از ورود مستقیم به رویارویی نظامی با یمن خودداری کرد و هیچ اقدام نظامی آشکاری در چارچوب آن توافق دفاعی علیه صنعا انجام نداد.

امنیتی منطقه را دگرگون کرده است.

در چنین شرایطی، پرسش اصلی این است که اگر چتر امنیتی آمریکا همچنان کارآمد بود، چه نیازی به امضای چنین پیمانی وجود داشت؟

### جرایب شکل‌گیری پیمان مکه

واقعیت آن است که ریاض طی سال‌های گذشته میلیاردها دلار صرف خرید تسلیحات آمریکایی و انعقاد قراردادهای امنیتی با واشنگتن کرده است. با وجود این، نه سامانه‌های پیشرفته آمریکایی توانستند حملات موشکی و پهپادی مقاومت یمن را متوقف کنند و نه حضور گسترده نیروهای آمریکایی، امنیت مورد ادعای سعودی‌ها را تضمین کرد. حتی در جریان درگیری‌های اخیر منطقه نیز نگرانی‌های امنیتی عربستان نه تنها کاهش نیافت، بلکه افزایش پیدا کرد. به بیان دیگر، «توافق مکه» پیش از آنکه نمایش قدرت باشد، اعترافی به شکست راهبرد چند دهه‌ای ریاض در اتکا به آمریکا برای خرید امنیت است.

در همین چارچوب، پیام مهم این توافق نه برای تهران، بلکه برای واشنگتن ارسال شده است. این پیمان نشان می‌دهد ریاض نسبت به تضمین‌های امنیتی آمریکا دچار تردید شده و تلاش می‌کند با ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای، بخشی از خلأ ناشی از کاهش اعتماد به واشنگتن را جبران کند.

از سوی دیگر، رفتارهای رژیم صهیونیستی نیز در شکل‌گیری این روند بی‌تأثیر نبوده است. پس از عملیات هفتم اکتبر، دامنه حملات اسرائیل تنها به غزه محدود نماند و لبنان، سوریه و حتی قطر نیز در معرض اقدامات نظامی تل آویو قرار گرفتند. حمله موشکی به خاک قطر، که یکی از نزدیک‌ترین شرکای آمریکا در منطقه محسوب می‌شود، این پیام را برای بسیاری از دولت‌های عربی داشت که دیگر هیچ کشوری از بی‌ثباتی‌های ناشی از سیاست‌های تل آویو مصون نیست.

اکنون عربستان نگران آن است که نظم جدید منطقه‌ای، بیش از گذشته تحت تأثیر اراده رژیم صهیونیستی و حمایت آمریکا شکل گیرد و جایگاه سنتی ریاض



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

امضای توافق دفاعی سه‌جانبه میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان، یکی از مهم‌ترین تحولات امنیتی ماه‌های اخیر غرب آسیاست. براساس مهم‌ترین بند این توافق، هرگونه حمله مسلحانه به یکی از سه کشور، حمله به هر سه کشور تلقی خواهد شد. بندی که اگرچه یادآور ماده پنجم پیمان ناتو است، اما هنوز جزئیات اجرایی و میزان تعهد واقعی اعضا نسبت به آن به طور کامل روشن نشده است.

مقام‌های ترکیه و عربستان تلاش کرده‌اند این توافق را صرفاً یک سازوکار دفاعی معرفی کنند و حتی مدعی شده‌اند که علیه هیچ کشور خاصی نیست و امکان پیوستن دیگر کشورها نیز وجود دارد. با این حال، بررسی شرایط منطقه و سوابق رفتاری اعضا روایت دیگری را پیش روی افکار عمومی قرار می‌دهد.

رویتز نیز در گزارش خود تأکید کرده است که اگرچه این پیمان می‌تواند بلوک قدرت‌های مهم جهان اسلام سنی را تقویت کند، اما هنوز هیچ شفافیتی درباره دامنه تعهدات اعضا وجود ندارد و مشخص نیست آیا این توافق واقعاً دارای سازوکار دفاع متقابل مشابه ناتو خواهد بود یا خیر. آنچه بیش از همه اهمیت دارد، زمان شکل‌گیری این توافق است. این پیمان درست در شرایطی امضا می‌شود که حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، منطقه را وارد مرحله‌ای جدید از تنش کرده و امنیت کشورهای حاشیه خلیج فارس را با ابهام روبه‌رو ساخته است. همزمان، جنگ دریای سرخ، ناامنی در تنگه هرمز و اختلال در مسیرهای انتقال انرژی، معادلات

### پیام مهم پیمان مکه به واشنگتن

ریاض طی سال‌های گذشته میلیاردها دلار صرف خرید تسلیحات آمریکایی و انعقاد قراردادهای امنیتی با واشنگتن کرده است. با وجود این، نه سامانه‌های پیشرفته آمریکایی توانستند حملات موشکی و پهپادی مقاومت یمن را متوقف کنند و نه حضور گسترده نیروهای آمریکایی، امنیت مورد ادعای سعودی‌ها را تضمین کرد. حتی در جریان درگیری‌های اخیر منطقه نیز نگرانی‌های امنیتی عربستان نه تنها کاهش نیافت، بلکه افزایش پیدا کرد. به بیان دیگر، «توافق مکه» پیش از آنکه نمایش قدرت باشد، اعترافی به شکست راهبرد چند دهه‌ای ریاض در اتکا به آمریکا برای خرید امنیت است.

### یادداشت

## طوفان صنعا در ریاض

محسن پوردافر  
روزنامه‌نگار

عربستان که طی سال‌های گذشته تلاش می‌کرد ابتکار عمل را در جبهه یمن در اختیار داشته باشد، رخدادهای چند روز اخیر نشان می‌دهد معادله جنگ به شکل محسوسی دگرگون شده و این بار صنعا است که قواعد نبرد را تعیین می‌کند. سلسله حملات موشکی و پهپادی ارتش یمن به مراکز نظامی وابسته به ریاض، نه تنها خسارات سنگینی بر نیروهای سعودی و مزدوران آنها وارد کرده، بلکه آثار آن به امنیت انرژی و حمل و نقل دریایی عربستان نیز سرایت کرده است. تا جایی که نفتکش‌های حامل نفت سعودی برای فرار از تیررس عملیات یمن، مقصد واقعی خود را پنهان می‌کنند ولی باز نمی‌توانند از چشم انصارالله یمن مخفی شوند.

عملیات گسترده روزهای گذشته آغاز اجرای «معادله جدید صنعا» است. یک منبع یمنی در گفت‌وگو با المیادین اعلام کرده است که از این پس هرگونه حضور، استقرار یا تحرک نیروهای سعودی در خاک یمن، یا هرگونه جابه‌جایی آنها میان مناطق مختلف، بلافاصله هدف حملات نیروهای مسلح یمن قرار خواهد گرفت. هدف این راهبرد نیز روشن است. قطع خطوط ارتباطی و تدارکاتی نیروهای وابسته به عربستان و جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه آرایش تهاجمی جدید علیه صنعا.

اجرای این راهبرد نیز با قدرت آغاز شده است. منابع یمنی از شلیک حدود ۱۰ موشک بالستیک و تعدادی پهپاد به پادگان‌های وابسته به عربستان در مارب و حضرموت خبر داده‌اند. حملاتی که بنا بر گزارش‌ها ظرف کمتر از سه دقیقه به اهداف اصابت کرده و موجب کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر شده است. همزمان، یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، از عملیات گسترده علیه مراکز تجمع نیروهای وابسته به عربستان خبر داد و اعلام کرد که صدها نفر کشته یا زخمی شده و انبارهای تسلیحاتی، خودروهای نظامی و اردوگاه‌های وابسته به ریاض منهدم شده‌اند. منابع نزدیک به انصارالله نیز شمار کشته‌شدگان برخی از این حملات را دست‌کم ۵۸ نفر اعلام کرده‌اند. شدت آتش موشکی به اندازه‌ای بود که گزارش‌هایی از تخلیه پادگان‌های وابسته به عربستان در مارب و حضرموت منتشر شد.

تأکید صنعا بر سیاست «محاصره در برابر محاصره» نیز نشان می‌دهد که یمن دیگر تنها در موضع دفاعی قرار ندارد، بلکه با انتقال هزینه‌های جنگ به طرف مقابل، در حال تغییر قواعد درگیری است.

ابتکار عمل از دست ریاض خارج شده و به دست صنعا افتاده است. اگر تا دیروز عربستان می‌کوشید با اتکا به برتری هوایی و حمایت خارجی، اراده خود را بر یمن تحمیل کند، امروز این یمن است که با موشک، پهپاد و تغییر قواعد نبرد، هزینه هرگونه ماجراجویی سعودی را به شکلی بی‌سابقه افزایش داده و معادله جنگ را به سود خود بازنویسی کرده است.



## یادداشت

## یک تفکر، چند دهه عقب‌نشینی

امیرشهرشاهی  
روزنامه‌نگار

اظهارات ناصر هادیان در ماه‌های اخیر، و به‌خصوص در قسمت اخیر برنامه «به وقت ایران» بار دیگر یک مسئله عمیق‌تر را آشکار کرد: چگونه تفکری که روزگاری در قالب نهضت آزادی، به دلیل رویکردهایش در قبال استقلال، امنیت و نسبت ایران با آمریکا، از سوی امام خمینی (ره) مورد انتقاد جدی قرار گرفت و از منظر بسیاری از دلسوزان کشور را در مسیر نابودی قرار داده بود، امروز با ادبیات جدید و در قالب بخشی از جریان اصلاح‌طلب و طیف «برجامی» بازتولید شده است؟

مسئله، البته شخص هادیان نیست. مسئله آن شبکه فکری و سیاسی است که طی چند دهه، برخی چهره‌ها را بدون آنکه الزاماً مسیر طبیعی و رقابتی رشد علمی و اجرایی را طی کرده باشند، به موقعیت‌های دانشگاهی، رسانه‌ای و مدیریتی رسانده است. درباره هادیان نیز این پرسش قابل طرح است که چگونه فردی با سابقه تحصیلی عمدتاً در جامعه شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی، در جایگاه تدریس روابط بین‌الملل در دانشگاه تهران قرار گرفت و تا زمان بازنشستگی نیز، بنا بر اطلاعات منتشرشده، با پایین‌ترین رتبه در دانشگاهی یعنی استادیاری ادامه داد. رکود علمی هادیان تا حدی بود که کمتر بحث منسجم و مبتنی بر شناخت نظریات روابط بین‌الملل در معدود نوشته‌های دانشگاهی وی یافت می‌شود.

این سؤال درباره محمد جواد ظریف نیز قابل طرح است؛ چهره‌ای که مسیر حضور و ارتقای او در دستگاه سیاست خارجی و سپس عملکردش در مسئولیت‌های مختلف، از سفارت تا وزارت خارجه و معاونت ریاست جمهوری، نیازمند ارزیابی دقیق و مبتنی بر کارنامه است، نه مصنوعیت رسانه‌ای.

اما پرسش بزرگ‌ترین است: چگونه ممکن است کسانی متولی آموزش روابط بین‌الملل به نخبه‌ترین دانشجویان ایران باشند که در تحلیل بدیهیات این رشته، از مفهوم قدرت و بازدارندگی گرفته تا ماهیت رقابت قدرت‌های بزرگ، دچار خطاهای بنیادی شوند؟ چگونه در حالی که اساتید جهانی روابط بین‌الملل از جمله مرشایمراز باتلاق هرمز و نقش چین و روسیه در تضعیف آمریکا می‌گویند، کسانی همچون ظریف و هادیان کودکانه از خطر اجماع جهانی همان تهدید همیشگی‌شان سخن می‌گویند.

یکی از نشانه‌های جدی این تفکر، کوچک‌نمایی تهدیدات علیه ایران است. در ادبیات هادیان، حمله نظامی به کشور، ترور عالی‌ترین مقام نظام و شمار زیادی از فرماندهان و مسئولان، شهادت هزاران نفر از مردم و جنایت میناب و ناودنا با ادبیات کودکانه به «درگیری محدود» یا «زد و خورد» تخفیف داده می‌شود. در چنین شرایطی، برخی به جای بررسی چرایی شکست دشمن در تحقق اهداف خود، همچنان از «خطر اجماع جهانی» سخن می‌گویند؛ گویی ارتش ایالات متحده که بزرگ‌تر از ۹ ارتش بعد از خود است در جنگ با ایران نیست و مقامات ایرانی باید از کشورها و ارتش‌های به مراتب ضعیف‌تر از آمریکا بترسند.

چنین تفکری حتی اگر لباس دانشگاه و دیپلماسی برتن داشته باشد، در نهایت همان نسخه‌ای را تجویز می‌کند که نتیجه‌اش چیزی جز افزایش آسیب‌پذیری کشور نیست.

تجربه‌ای که  
نباید دوباره  
تکرار شود

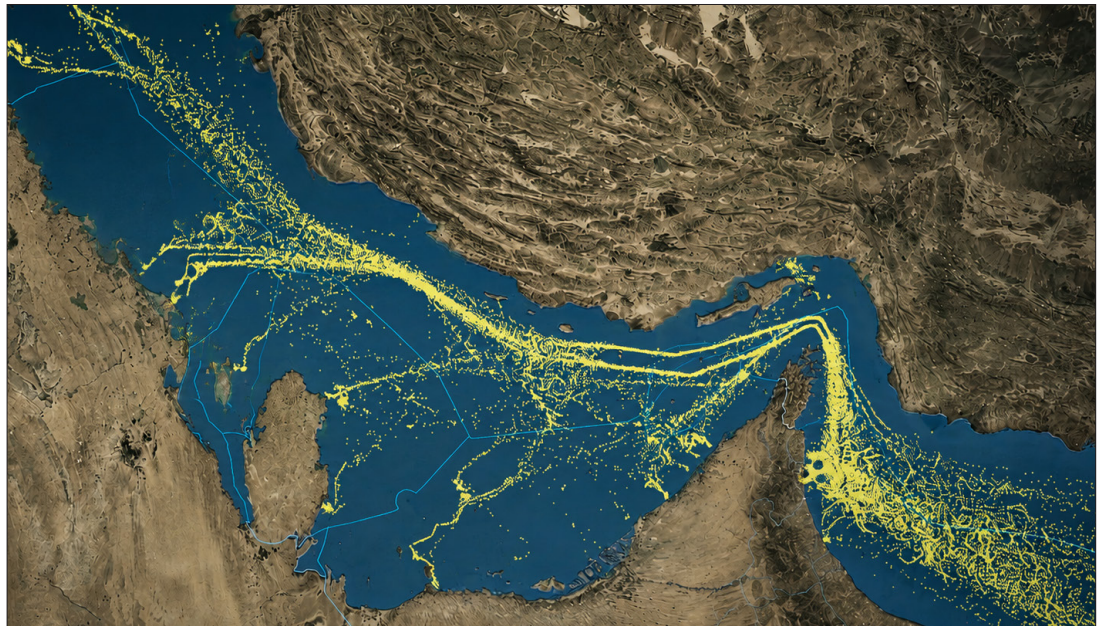
تفاهم اسلام‌آباد یک بار نشان داد که اعتماد به تعهدات آمریکا بدون برخورداری از تضمین اجرایی و پشتوانه قدرت، نمی‌تواند امنیت ایران را تأمین کند. اکنون نیز مذاکره با عمان درباره ترتیبات جدید تنگه هرمز نباید به معنای عقب‌نشینی از اهرم‌های راهبردی کشور باشد. ایران پس از هفته‌ها جنگ، توانسته موازنه‌ای ایجاد کند که آمریکا را در برابر مسئله هرمز گرفتار کرده است؛ بنابراین حفظ این اهرم، بخشی از منطق بازدارندگی و تأمین امنیت ملی کشور است.

آخرین اهرم‌های بازدارندگی را با وعده‌های موقت معامله نکنیم

## توافق موقت؛ یا واگذاری تدریجی؟

منطقه دنبال می‌شود. اکنون مسئله اصلی فقط نحوه عبور کشتی‌ها نیست؛ بلکه سخن از میزان اعمال حاکمیت ایران بر یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان و چگونگی حفظ این اهرم راهبردی در برابر فشارهای واشنگتن است.

مذاکرات ایران و عمان درباره ترتیبات جدید عبور و مرور در تنگه هرمز، مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی در هفته اخیر است؛ مذاکراتی که در سایه شکست تفاهم اسلام‌آباد، بازگشت محاصره دریایی و ناتوانی آمریکا در تغییر واقعیت‌های امنیتی



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

از هر زمان دیگری دریافت شده است که مسئله هرمز با تهدید، بمباران یا حتی جنگ زیرساختی قابل حل نیست. در هفته‌های اخیر نیز اعلام محاصره دریایی عربستان از سوی انصارالحکیم نشان داد که مسئله فقط هرمز نیست. محور مقاومت ظرفیت ایجاد اختلال و تصعید بحران در باب‌المندب را نیز دارد. حملات یمن به یمن و بقیق نیز این پیام را منتقل کرده که حتی مسیرهای جایگزین صادرات نفت عربستان نیز الزاماً خارج از دسترس مقاومت نیستند.

## ماجرای ترس‌های پوچ غرب‌گرایان

با این حال، یکی از مشکلات مهم در داخل کشور، برداشت ساده لوحانه برخی جریان‌های سیاسی از معادله هرمز است؛ برداشتی که تحت تأثیر نگاه‌های برجانی و غرب‌گرایانه، دائماً از «اجماع جهانی» و تبعات بین‌المللی ایستادگی ایران سخن می‌گوید. ناصر هادیان و جواد ظریف در روزهای اخیر در حالی به شکلی کاملاً ساده لوحانه و ابتدایی از اجماع بر علیه ایران سخن می‌گویند. اما سؤال ساده این است: این «اجماع جهانی» دقیقاً قرار است چه کاری انجام دهد که ارتش آمریکا، نیروی هوایی اسرائیل و حمایت‌های مالی و سیاسی کشورهای ثروتمند عربی نتوانستند انجام دهند؟ بزرگ‌ترین ارتش تاریخ جهان وارد میدان شد؛ یکی از قدرتمندترین نیروهای هوایی جهان نیز در کنار آن قرار گرفت؛ منابع مالی و اطلاعاتی گسترده‌ای به کار گرفته شد؛ اما ایران شکست نخورد. پس چرا باید از سایه یک «اجماع جهانی» خیالی ترسید؟ بنابراین ترساندن تصمیم‌گیران از «اجماع جهانی» بدون توجه به موازنه واقعی قدرت، تکرار همان خطایی است که سال‌ها پیش درباره قطعه‌نامه‌های شورای امنیت صورت گرفت. حتی زمانی که ایران تحت قطعه‌نامه‌های شورای امنیت قرار داشت، هیچ حمله نظامی به کشور رخ نداد.

اظهارات مجید غریب‌آبادی، معاون وزیر امور خارجه، در گفت‌وگویی با ایرنا، درباره مذاکرات جاری با عمان نشان می‌دهد که ایران اساساً دخالت خارجی در ترتیبات تنگه هرمز را نمی‌پذیرد و مدل جدید عبور و مرور باید بر اساس توافق میان دو کشور ساحلی ایران و عمان شکل بگیرد. مطابق توضیحات وی، مسیرهای موقتی شمالی و جنوبی بسته خواهند شد و مسیر جدیدی که ورود به خلیج فارس در آب‌های سرزمینی ایران و خروج از خلیج فارس بخش‌هایی در آب‌های سرزمینی عمان و بخش‌هایی در آب‌های ایران قرار دارد، جایگزین آنها خواهد شد.

این تحول از منظر حاکمیت ملی اهمیت قابل توجهی دارد؛ اما یک ابهام اساسی در سخنان معاون وزیر امور خارجه وجود دارد که نباید از کنار آن به سادگی عبور کرد: مسیر جدید نیز موقت است. غریب‌آبادی گفته است این مسیر می‌تواند برای دو تا چهار ماه ادامه پیدا کند. بنابراین، برخلاف آنچه ممکن است در فضای رسانه‌ای به عنوان یک توافق نهایی درباره آینده تنگه هرمز تلقی شود، هنوز سخن از یک «ترتیب موقت» است؛ ترتیبی که قرار است در شرایط نامطمئن کنونی امکان مدیریت عبور و مرور را فراهم کند تا در آینده درباره «ترتیبات مدیریت آینده» تصمیم‌گیری شود. بنابراین اکنون نقطه حساس ماجرا دقیقاً همین جاست: ترتیب موقت نباید به سکویی برای واگذاری تدریجی یک اهرم راهبردی تبدیل شود.

## هرمز؛ جایی که آمریکا راه‌حل نظامی ندارد

واقعیت مهم‌تر آن است که آمریکا پس از ۳۹ روز نبرد در موج نخست جنگ تحمیلی سوم و بیش از ۱۷ روز نبرد در دور دوم، بیش



## یادداشت

### سینماگران ایرانی سودای فتح جهان ندارند، چون غربگرا هستند

سعید مصباح  
روزنامه‌نگار

سرگتی اورسولیاک، کارگردان روسی، که این روزها در حال ساخت فیلم سینمایی «جنگ و صلح» به مناسبت دویستمین سالگرد تولد لئو تولستوی است، در سخنانی به ستایش از سینمای ایران پرداخت و گفت: «وقتی بهترین فیلم‌ها را تماشا می‌کنیم، مثلاً فیلم‌هایی از ایران، می‌بینیم که آن‌ها سودای فتح جهان را ندارند؛ اما عشقی عمیق و صادقانه را نسبت به مردمانی ابرازی می‌کنند که برایشان قصه می‌گویند، همان مردمانی که در سرزمین خود زندگی می‌کنند.»

با بخش اول صیحت‌های اورسولیاک می‌توان موافق بود و روی آن صحنه گذاشت. در یک کلام سینماگران ایرانی -به جز موارد معدود- سودای فتح جهان ندارند چون ذاتاً غربگرا هستند و نمی‌توانند فهمی از دنیای مادی پیش رویشان داشته باشند. وقتی به تولیدات سینمای بومی و زیرزمینی مان نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که این مدیوم به ملک طلق آثار موسوم به «اجتماعی» تبدیل شده‌اند.

شاید بپرسید که چه ایرادی در ساخت واکران فیلم اجتماعی وجود دارد که آن‌ها را به تابعی از غرب فرهنگی بدل می‌کند؟ کارویژه این آثار نه تنها نقد مشکلات درون ساختاری ما نیست، بلکه امکانی برای گرفتن فاند و پروژه از سفارتخانه‌ها و کمپانی‌های به اصطلاح مستقل اروپایی و آمریکایی است و این طیف از فیلم‌سازان چون اراده و سواد برای به چشم آمدن نزد مخاطب ندارند تنها هدف خود را به کسب جوایز بی‌اهمیت جشنواره‌های ریز و درشت و همینطور مهاجرت به کعبه آمالشان خلاصه می‌کنند. از این منظر، سینماگرایانی به جای آنکه با ساخت آثاری حماسی، قدرتمند و مدرن، تصویری از پیشرفت و عظمت کشورشان را به جهان نشان دهد و روایت هژمونیک غرب از ایران را به چالش بکشد، ترجیح می‌دهد دست به نوعی خودسانسوری بزند. داوران جشنواره‌های غربی معمولاً به دنبال تماشای «دیگری ضعیف، سنتی و فقیر» هستند؛ از سوی دیگر وقتی فیلمسازان ملی می‌خواهند دنیا را در عرصه نمادین فتح کنند با دهن کجی این افراد و جامعه آمار‌ی‌شان و همینطور رسانه‌های اجاره‌ای طرف می‌شوند.

برای نمونه ابراهیم حاتمی‌کیا کارگردانی است که بخشی از آثارش دقیقاً مصداق بارز آینده‌نگری و مشخص کردن افق‌های روشن برای ایران ذیل حاکمیت جمهوری اسلامی است و از منظر زیبایی‌شناسی حرف‌های زیادی برای گفتن دارد، اما همین مسئله هم از سوی روشنفکران عرفی تاب آورده نمی‌شود و تا وقتی که هنرمند فیلمی در نقد سیستم نسازد چندان به چشم این افراد نمی‌آید.

از موج سواری سلبریتی‌ها تا انفعال در برابر هنجارشکنی

## نه به فرهنگ کرنش در برابر سلبریتی

اقلیتی پرسرو صدا را جلب کنند و برای خود اعتبار بسازند. اما آنچه در این میان اهمیت دارد، واکنش جامعه و ضرورت پایان دادن به فرهنگ کرنش در برابر این افراد است؛ فرهنگی که اگر مهار نشود، زمینه را برای تکرار هنجارشکنی‌های بیشتر فراهم می‌کند. پرسش اصلی اینجا است: آیا وقت آن نرسیده که برای حضور و رفتار سلبریتی‌ها در فضای عمومی و مجازی، حدود روشن، قانونی و الزام‌آور تعریف شود؟



ایمان عظیمی  
روزنامه‌نگار

پس از اجرای حکم قانونی اعدام برخی از عوامل اغتشاشات دی ماه بود که سحر دولتشاهی، بازیگر شناخته‌شده سینما، تلویزیون و تئاتر، در قالب یک استوری مجازی اقدام به موضع‌گیری تند کرد. او در این پیام، ضمن محکوم کردن اقدام دستگاه قضا، علناً با لحنی زننده به نوای دلنشین اذان اشاره کرد و به کلام الهی توهین نمود؛ رفتاری که آشکارا برای به دست آوردن دل طیف خاصی از مخالفان جمهوری اسلامی و جلب توجه این اقلیت قلیل اما بسیار پرسرو صدا طراحی شده بود. با این حال، او در رسیدن به هدف خود ناکام ماند؛ چرا که اکثریت خاموش جامعه در عمل مقابل این هنجارشکنی ایستادند. پیش از آنکه ضابطان قضایی وارد عمل شوند، افکار عمومی متدین جامعه چنان واکنش شدیدی نشان دادند که این بازیگر مجبور به عقب‌نشینی شد. وی مدتی بعد با انتشار استوری دیگری در صفحه شخصی‌اش، رسماً عذرخواهی کرد و مدعی شد که نوای اذان همواره برای او آرامش‌بخش بوده است.

اگرچه می‌توان از باب تسامح عذرخواهی دولتشاهی را پذیرفت، اما تجربیات سالیان اخیر به وضوح نشان داده است که اگر این گونه رفتارهای هنجارشکنانه با «پرداخت هزینه» همراه نباشد، فرد خاطی نه تنها متنبه نمی‌شود، بلکه در اقدامات بعدی با شدتی مضاعف به تولید محتوای ضداسلامی و ضدایرانی روی می‌آورد تا برای کاربران بیمار فضای مجازی و ارتش‌های سایبری دلبری کند. از این رو، تدوین و اجرای قوانین قاطع در این حوزه یک ضرورت ملی است؛ قوانینی که

ایران به شمار می‌رود، در راستای سیاست‌های جدید مرکز سیمافیلیم مبنی بر احیای آثار خاطره‌انگیز و محبوب گذشته، بار دیگر مقابل دوربین خواهد رفت. «آژانس دوستی» در زمان پخش اولیه خود با استقبال گسترده و بی‌نظیر مخاطبان روبه‌رو شد و علاوه بر کسب محبوبیت فراوان، به عنوان سکوی معرفی و دیده‌شدن بسیاری از هنرمندان جوان در عرصه‌های سینما و تلویزیون عمل کرد. داستان این مجموعه در یک آژانس تاکسی‌روایت می‌شد؛ جایی که هر قسمت با ورود یک یا دو مسافر جدید، قصه‌ای تازه، متفاوت و انسانی را پیش روی مخاطبان قرار می‌داد و آن‌ها را با روایت‌هایی از زندگی روزمره، امید و دوستی آشنا می‌ساخت.

این بازگشت تلویزیونی می‌تواند خاطرات نسل گذشته را زنده کند، نسل جدید را نیز با این اثر ماندگار آشنا سازد و مخاطبان را جذب کند.



فصل دوم سریال پرمخاطب «آژانس دوستی» به‌زودی وارد مرحله تولید خواهد شد. فیلمنامه این مجموعه تلویزیونی به پایان رسیده و هم‌اکنون مراحل انتخاب عوامل و بازیگران در حال انجام است. این سریال که یکی از برندهای موفق و ماندگار تلویزیون

## یادداشت

### از «تاسیان» تا «صد سال به این سال‌ها»: تکرار یک نوع روایت‌سازی!

علی سجادی  
روزنامه‌نگار

زمانی که سریال «تاسیان» به تهیه‌کنندگی «علی اسدزاده» منتشر شد، بسیاری از منتقدان نسبت به نوع روایت آن از تاریخ معاصرو تصویری که از دوران پیش و پس از انقلاب ارائه می‌کرد، واکنش نشان دادند. نقد اصلی این بود که اثر، گذشته را در قالبی شیرین، منظم و دلپذیر نمایش می‌دهد و در مقابل، سال‌های پس از انقلاب را با فضایی تلخ، آشفته و بحرانی پیوند می‌زند.

این بحث پس از وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴ جدی‌تر شد؛ به‌ویژه وقتی برخی چهره‌ها از تأثیر چنین آثاری بر ذهن و نگاه بخشی از مخاطبان سخن گفتند.

اما پرسش مهم‌تر این است: آیا آثاری مثل «تاسیان» صرفاً محصول نگاه شخصی سازندگان‌اند، یا با یک الگوی روایی تکرارشونده روبه‌رو هستیم؟ الگویی که در آن، پیش از انقلاب با رنگ و لعاب، نشاط و آرامش تصویر می‌شود و پس از انقلاب با جنگ، بحران، محدودیت و نابسامانی.

نمونه‌ی آشکار این نگاه را می‌توان در برنامه‌هایی مانند «تونل زمان» شبکه «من‌وتو» دید؛ روایتی که گذشته را برجسته و دلپذیر بازسازی می‌کند. در برخی آثار سینمایی نیز همین منطق، نه لزوماً به‌صورت مستقیم، بلکه با ابهام و اشاره دیده می‌شود؛ از جمله در فیلم‌هایی مانند «ارغوان» به تهیه‌کنندگی «کیوان علی محمدی»

فیلم سینمایی «صد سال به این سال‌ها» به تهیه‌کنندگی «مرتضی شایسته» که به تازگی و بعد از سال‌ها بنا است از پلتفرم «فیلم‌نت» به نمایش درآید نیز همان منطق ارزنده‌سازی از حکومت طاغوت را نسبت به جمهوری اسلامی دارد. شایسته و «سامان مقدم» در این فیلم صراحتاً ایرانی‌را روایت می‌کنند که در پیش از انقلاب دارای وضعی خوب و شاد و پر هیجان و بعد از انقلاب گرفتار جنگ و دردسر و نابسامانی‌ها است.

مسئله این متن فقط یک فیلم یا یک سریال نیست. دغدغه، الگوی تکرارشونده‌ای است که در بخشی از تولیدات نمایشی دیده می‌شود؛ الگویی که اگر به دقت از کنار آن عبور شود، می‌تواند تصویر ذهنی نسل جدید از تاریخ معاصر را تحت تأثیر قرار دهد.

پرسش اصلی از متولیان فرهنگی، سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این است: آیا هنگام صدور مجوز ساخت و پخش چنین آثاری، نسبت به پیام‌نهایی و اثرگذاری اجتماعی آن‌ها توجه کافی صورت می‌گیرد؟ و اگر تجربه‌ی آثاری مانند «تاسیان» محل بحث و نقد بوده، چرا دوباره زمینه‌ی انتشار آثاری با همان منطق روایی فراهم می‌شود؟



## فصل دوم

### آژانس دوستی به

### همت سیمافیلیم

### تولید می‌شود